

## دریچه

### چالش‌های جدید مهرجویی

**گروه هنر:** چیزی تا اکران نوروز ۱۴۰۱ باقی نمانده است؛ نمایش فیلم‌هایی که برخی زمان زیادی در صف اکران بودند و حالا پس از مدت‌ها قرار است رنگ پرده را ببینند. «لامینور»، آخرین ساخته داریوش مهرجویی نیز یکی از همین فیلم‌هاست؛ فیلمی که اعلام شد یکی از گزینه‌های اکران نوروز است و حالا چند روزی است اما و اگرهایی برای نمایش آن پیش آمده. داشتن پروانه نمایش یکی از شروط اصلی نمایش فیلم‌هاست و پروانه نمایش فیلم مهرجویی در دولت قیبل صادر نشده و حالا با منقضی‌شدنش، باید بار دیگر این مسیر را طی می‌کرد و همین موضوع بحث‌های بسیاری در محافل سینمایی به راه انداخته است. مدتی قبل مدیرکل نمایش سازمان سینمایی اعلام کرد این فیلم در پروسه بررسی در شورای پروانه نمایش است؛ با این وجود به نظر حضورش در اکران نوروزی با چالش‌هایی همراه است.

مدتی قبل کانون کارگردانان سینما و انجمن تهیه‌کننده-کارگردانان در بیانیه‌ای برای اکران نوروزی فیلم «لامینور» دست به قلم شدند و نوشتند: «داریوش مهرجویی چشم و چراغ سینمای مان، بزرگ ما و پیش‌کسوت تمامی کارگردانان و سینماگران و نشانه و اعتبار همه سینمای ایران است. ما به‌عنوان کانون کارگردانان سینمای ایران و انجمن تهیه کننده‌کارگردانان سینمای ایران، براین باوریم اکران و عرضه نمایشی که با محدودیت و تنگ‌نظری، چه از جانب دولت و چه صاحبان منافع، نتواند اثری از این بزرگمرد سینما را به نمایش درآورد، شایستگی عنوان صحنه نمایش سینمای ایران را ندارد و تنها می‌تواند عرصه‌ای برای سودجویی محسوب شود. ما خواهان نمایش بی‌قیدوشرط فیلم لامینور در نوروز امسال هستیم».

ساعاتی پس از این بیانیه، محمدرضا فرجی (مدیرکل نظارت بر عرضه نمایش فیلم سازمان سینمایی) اعلام کرد فیلم «لامینور» از نظر سازمان سینمایی مانعی برای دریافت پروانه نمایش ندارد. این فیلم پروانه نمایش خود را دو سال گذشته دریافت کرده و الان اعتبار آن پروانه منقضی شده است. به گفته او، فیلم «لامینور» مشکلی برای صدور پروانه نمایش ندارد؛ فیلم بازبینی شده و جمع‌بندی آن به‌زودی صورت می‌گیرد. فرجی تأکید کرد، فیلم در اکران نوروزی نیست و به‌زودی با تعامل تهیه‌کننده، پروانه نمایش صادر می‌شود.

«لامینور» بیست‌وهمین فیلم بلند سینمایی داریوش مهرجویی است که علی نصیریان، پردیس احمدیه، سیامک انصاری، بیتا فرحی، علی مصفا، مهرداد صدیقیان، بهناز جعفری، کاوه آقاي، امالته صابری، رضا دادبوندزاد، دیبا راهدی، سیامک ادیب، محمدرضا شهبانی‌نوری، شراره رنجبر، محمدجواد جعفرپور، مهرنوش ذوالفقاری، محمدهادی عطایی، مهدی مرتضایی، یاسمن کوزه‌گر، هومن بهزادی، شیدا مودب، هانا وارسته، سبحان خورشیدی، احمد باوری، فرهاد ریش‌سفیدی، علی بلوردی و فریماه فرجامی بازیگران آن هستند.

### نمایش چند فیلم سینمایی در جشنواره باف سوئد

**فیلم کوتاه «خورشیدگرفتگی»** به کارگردانی رها امیرفضلی و علیرضا قاسمی، «بچه گرگ‌های دره سیب» ساخته فریدون نجفی و «سیارک» ساخته مهدی حسینی‌وند در سی‌ونهمین دوره جشنواره باف سوئد حضور دارند. همچنین «خورشیدگفتگی» در چهاردهمین دوره جشنواره لاریسای یونان نیز حضور خواهد داشت.

جشنواره باف سوئد که هرساله اسفندماه در شهر مالموی سوئد برگزار می‌شود، یکی از قدیمی‌ترین جشنواره‌های اروپایی است که از سال ۱۹۸۴ به‌طور سالانه برگزار می‌شود. این جشنواره عضو اتحادیه فیلم‌های کودکان اروپا یا ECFA است. این اتحادیه در سال ۱۹۸۸ تأسیس شده است و هم‌اکنون بیش از ۶۰ عضو از ۲۳ کشور اروپایی دارد.

همچنین جشنواره لاریسا که چهاردهمین دوره خود را در فروردین ۱۴۰۱ برگزار خواهد کرد، هر ساله به نمایش فیلم‌های منتخب از یونان و جهان می‌پردازد. عوامل فیلم کوتاه خورشیدگرفتگی عبارت‌اند از نویسنده و کارگردان؛ علیرضا قاسمی و رها امیرفضلی، بازیگران: خورشید چراغی‌پور، پانژد اسماعیلی، آیتا باقری، فراز مدیری و پیمان نعیمی، مدیر تصویربرداری: سهیل گوری‌پور، تدوینگر: پویان شعله‌ور، مدیر هنری و طراح استوری‌برد: آرمن رنگانی، گروه کارگردانی: مسعود قدسی، رضا باستانی، مهیار ماندگار و عرفان ادیگوزلی، طراح صحنه و لباس: فراز مدیری، صدابراز: امیر شاهوردی، طراحی و ترکیب صدا: آرش قاسمی، طراح چهره‌پردازی: بابک کشن‌فلاح، منشی صحنه: آیدا پالیزگر، عکاس: محراب پوروحاجانی، مدیر تولید: فرشید زینالی، تدارکات: رحمان سرواوی، رنگ‌آمیزی رنگ و نور: امیرحسین خوشبین، جلوه‌های ویژه: کلمنت ل بلوان، طراح پوستر: آرمن رنگانی، جاننشین تهیه‌کننده: علی نجراریان، تهیه‌کنندگان اجرایی: رها امیرفضلی، آریا قوامیان، مانی تیلچیان، تهیه‌کننده: حسن نجراریان، علیرضا قاسمی و آدرین بروئه. این نوزدهمین بیستمین حضور بین‌المللی «خورشیدگفتگی» به شمار می‌آید. «خورشیدگرفتگی» محصول مشترک کمپانی ایرانی ضلع ششم و کمپانی فرانسوی ستاره مانقیست است.

سپیده شریعت‌رضوی؛ «کاغذپاره‌ها» عنوان مستند-انیمیشنی به نویسندگی، کارگردانی و تهیه‌کنندگی بهزاد نعلبندی است که از اول بهمن‌ماه در سینماهای «هنروتجربه» اکران شده است. این فیلم با حضور فیلم‌ساز در یک مرکز نگهداری زنان کارتن‌خواب و ضبط صدای تعدادی از آنها که قصه زندگی‌شان را روایت کرده‌اند، شکل گرفته و پس از ضبط این صداها، تصاویر آن به‌صورت انیمیشن ساخته شده است. با باران کوشری، بازیگر و بهزاد نعلبندی، کارگردان به‌گفت‌وگو نشستیم که شما را به خواندن آن دعوت می‌کنیم:

**کا حضور در یک مستند-انیمیشن چالش سختی بود. خانم کوثری حضور در پروژه‌ای که فاصله زیادی با دیگر آثارتان دارد، در نوع خود جالب توجه است. پیشنهاد همکاری چطور شکل گرفت؟**
من و بهزاد نعلبندی از طریق سالن تئاتر موج نو که متأسفانه مانند هر کانون فرهنگی دیگری که متفاوت عمل می‌کرد، بسته شد، باهم آشنا شدیم. من در جریان ساخت «کاغذپاره‌ها» بودم و زمانی که کارگردان به این راهکار رسید که بازی کاراکترها را تبدیل به انیمیت کند، از ایشان خواهش کردم که اجازه بدهد یکی از کاراکترها را در کنار آوا شریفی و زرتیا علیزاده از بازیگران خوب تئاتر بازی کنم و خوشبختانه بیشتر از یک نفر هم شد. ناگفته نماند که کارگردان شخصیت‌ها را به ما سه نفری که قرار بود جای کاراکترها بازی کنیم، پیشنهاد داده و به دنبال آن بود که هرکس باتوجه به توانایی‌هایش در کاراکتر مورد نظر ظاهر شود.

**پس این همکاری رضایت‌بخش بوده است.**

«کاغذپاره‌ها» اثر متفاوت و تجربه درخشان و سخت برای هر بازیگری است؛ چراکه ما ساعت‌ها به صداهای ضبط‌شده گوش می‌دادیم، حرکات را تنظیم می‌کردیم و یک بازی کامل داشتیم که بازیگردان آن بهزاد نعلبندی بود. در حقیقت نقش‌ها روی صداها طراحی و آن را بازی می‌کردیم، سپس تبدیل به انیمیت می‌شد. یعنی ما سه نفر در «کاغذپاره‌ها» تجربه کامل بازیگری را پشت‌سر گذاشتیم.

**کا از نظر من تفاوت این پروژه با دیگر پروژه‌هایی که شما در آن حضور داشتید، این است که نقش به‌نوعی به شما امانت داده شده بود…**

بله نقش به من امانت داده شده بود و باید از آن خوب نگهداری می‌کردم، نکته دیگر اینکه در پروژه‌های دیگر دیالوگ برای بازیگر نوشته می‌شود و بعد بازیگر تصمیم می‌گیرد که چگونه آن را طراحی و ایفا کند اما در «کاغذپاره‌ها» یک نفر دیگر زندگی کرده است و من باید صدای آنها را می‌شنیدم و روی صدا بازی‌ام را طراحی می‌کردم. ازتجاکه طرحی و حرکت تقصیر در صدا اتفاق می‌افتد، از یک جهت دست‌وپای ما بسته اما از یک جهت دیگر جذاب بود، چراکه می‌توانستیم شخصیت را کشف و تصور کنیم. در حقیقت محدودیت چالش خوبی را برای ما به‌عنوان بازیگر به وجود آورده بود.

ناگفته نماند که همه صداها تلخی عجیبی داشت اما هم‌زمان تجربه عجیب و درخشانی برای من بازیگر به این معنا بود که کار سختی را باید انجام می‌دادم. برخی مواقع ما با شنیدن صداهایی گریه می‌کردیم و برای چند لحظه صوری خود را از دست می‌دادیم اما بسیار خرسندم که صوری کارگردان این روزها به روزها به ثمر نشست و «کاغذپاره‌ها» این روزها در سینمای هنروتجربه روی پرده است.

**کا این فیلم نگاه دیگری به شرایط اجتماعی ما دارد، تا چه حد با این نگاه موافقت؟**

این روزها شکلی از سینمای اجتماعی نمایان شده است که آدم‌ها را به این سمت سوق می‌دهد که خلاف کنند یا می‌گوید فقر توجیه هر حرکت غلطی است، درحالی‌که قهرمان‌های سینمای اجتماعی دهه ۶۰ و ۷۰ کسانی بودند که لزوماً به این سمت نرفتند. من قصد ندارم شعار بدهم که انسان‌ها باید خوب باشند اما حداقل در آن زمان انسان‌های شریفی به‌عنوان قهرمان می‌دیدیم. همچنین به نظر من اثر هنری به‌ویژه فیلم‌ها سینمایی وظیفه‌ای دارند اما فیلم‌ساز نمی‌تواند آسیب‌های اجتماعی را حل کند که اگر می‌توانست نماینده مجلس یا رئیس جمهور می‌شد. فیلم‌هایی این‌چنینی تنها نوری روی یک مسئله می‌اندازد و آن را نشان می‌دهد.

**کا فکر می‌کنید این فیلم با مخاطب ارتباط برقرار می‌کند؟**

«کاغذپاره‌ها» از نظر من به دلیل متفاوت‌بودن، خلایقت عجیب‌وغریبی که کارگردان به خرج داده است و رویکرد متفاوتی که نه‌تنها نسبت به سینما بلکه هنر دارد، تماشاچی است. متأسفانه همه ما دچار روزمرگی در ساخت فیلم و مستند و حتی موزیک شده‌ایم و به یک جنس عادت کرده‌ایم اما بهزاد نعلبندی در این مستند-انیمیشن با جرئت کلیشه‌ها را شکسته و اثر هنری را عرضه کرده که ندیدن آن حیف است. همچنین بعید است که مخاطب این نوع مستند-انیمیشن را در ایران تا‌به‌حال دیده باشد و پس‌ازاین هم بتواند ببیند.

**کا آقای نعلبندی بد نیست ابتدا درباره رویکردتان در سینما، خصوصا سینمای اجتماعی صحبت کنیم. این حوزه را چطور می‌بینید؟**

به اعتقاد من اکثر فیلم‌ها، فیلم‌های اجتماعی هستند یا به طریق درسته‌تر، ما فیلم غیراجتماعی نداریم و تنها تفاوت آنها رویکرد جهان‌شناختی است. برای مثال فیلم‌های هالیوودی فرد را در بستر اجتماع نمایش می‌دهند و ما به‌واسطه فرد یا قهرمان، اجتماعی را که او در آن زیست می‌کند، می‌بینیم اما اولویت این فیلم‌ها فردیت و فردگرایی و نه اجتماع است. درواقع این سینما با زرق‌وبرق کاذبی که به وجود می‌آورد، مخاطبان خود را مسخ می‌کند تا مصرف‌کننده‌ای برای کالای خود پرورش دهد. شاید بهترین تمثیل این سینما را در قصه پینوکیو یافت کنیم. در قصه پینوکیو شهربازی‌ای وجود دارد که بچه‌ها صبح تا شب در آن مشغول بازی و خوشی هستند اما بعد از چند روز هویت انسانی از آنها سلب و به چهارپایا تبدیل می‌شوند. در مقابل سینمای



هالیوود، سینمایی وجود دارد که فرد را قهرمان نمایش نمی‌دهد و او را به‌عنوان بخشی از اجتماع بازنمایی می‌کند. دغدغه این فیلم‌ها آسیب‌ها و مناسبات غلط اجتماعی است، هیچ وعده‌ووعیدی به کسی نمی‌دهد، تصویر واقعی انسان را به نمایش درمی‌آورد و به‌جای قهرمان‌سازی، انسان‌سازی می‌کند. اگر در سینمای هالیوود پایه و اساس روی لذت بنا شده باشد، این سینما بر اساس رنج و دردی است که انسان امروزی آگاهانه یا ناآگاهانه بر خود و دیگران روا می‌دارد.

**کا چرا ساخت فیلم پنج سال زمان برد؟**

سه سال اول بسیار هم سخت گذشت؛ چراکه مشغول آزمون و خطا برای یافتن فرم بودم و در این مسیر هرازگاهی آن‌قدر مایوس و ناامید شدم که می‌خواستم صداها را پاک کنم تا دیگر دغدغه ساخت آن را نداشته باشم اما درنهایت ایده فرمی این فیلم به ذهنم خطور کرد؛ آن‌هم زمانی که باران کوثری به من پیشنهاد ساخت تیزر تئاتر «بر اساس دوشس ملفی» را داد. تیزر ساخته شد و بسیار مورد استقبال قرار گرفت اما پیش خود گفتم حیف است تکنیکی که در این کار به کار بردم، فقط برای یک تیزر استفاده شود و وقتی دوباره به سراغ صداها رفتم، فرم ساخت «کاغذپاره‌ها» شکل گرفت.

**کا انتخاب بازیگران بر چه اساسی شکل گرفت؟**

در ابتدا باید بگویم زرتیا علیزاده و آوا شریفی از بهترین بازیگران حال حاضر تئاتر هستند و من مطمئتم در آینده‌ای نزدیک بیشتر دیده خواهند شد و باران کوثری هم که احتیاجی به تعریف من ندارد. همچنین لازم می‌دانم روی این‌ نکته تأکید کنم که فیلم‌های مستقل با بودجه کم ساخته نمی‌شوند؛ مگر با حضور دوستان و از‌خودگذشتگی عوامل آن فیلم، پس «کاغذپاره‌ها» ساخته نمی‌شد اگر لطف و انرژی این دوستان نبود. از سوی دیگر بعید می‌دانم تعداد بازیگرانی که توانایی اجرای این‌گونه فرم نمایشی را داشته باشند، به تعداد انگشتان دو دست برسد. این سه نفر اقرون بر بازیگر رایج، این توانایی را داشتند که با بازی خود الگویی بدیع در اختیار من قرار دهند که بتوانم بر اساس آن، عروسک‌ها را متحرک سازد. در حقیقت این دوستان برای هر کاراکتری که قرار بود بازی کنند، به اندازه یک نمایش وقت گذاشتند، اتود زدند و فرم بدنی پیشنهاد دادند. باران کوثری سه شخصیت و زرتیا علیزاده و آوا شریفی هرکدام یک شخصیت را بازی کردند.

**کا به‌رحال شیوه روایت فیلم در سینمای ایران صدها بار تغییر دادم تا به این پلانی که در فیلم استفاده کردم، برسم.**

## روایت حق بر تصویر در آثار اجتماعی

**مهدی کوهیار** . فعال حقوق هنر و رسانه

ن‌فروشی و… می‌پردازند، درحالی‌که نمایش تصویر سوزه‌ها ممکن است موجب تنک حرمت و حیثیت آنها شده، حتی اگر این اتفاق با رضایت کامل سوزه رخ داده باشد. همچنین درباره حق بر تصویر افراد توانخواه نیز نمی‌توان به رضایت و اجازه افراد اکتفا کرد؛ چراکه ممکن است آن شخص در حالت روحی و روانی خاصی باشد و نفع و صلاحش را نداند. من نمی‌دانم کارگردان «کاغذپاره‌ها» به این موضوعات توجه داشته است یا نه اما این مستند-انیمیشن اثری ارزشمند است که کاملا به حق بر تصویر در سوزه‌های فیلم اجتماعی توجه کرده است.

از نقاط قوت فیلم وجه اخلاقی آن و وفاداری‌اش به مسئله حق بر تصویر است. همچنین باید بگویم که کارگردان «کاغذپاره‌ها» بهترین فرم را برای

## رویکرد بالینی و تحلیل فردی

**سعید مدنی** . پژوهشگر ارشد علوم اجتماعی

فوق‌العاده و پُریسکی بود چراکه می‌توانست مانند یک انسان با مختصات خودش است، اما وقتی در جامعه‌ای یک روند ایجاد می‌شود، پدیده فردی تبدیل به پدیده جمعی شده و با رویکرد بالینی نمی‌توان به آن نگاه کرد. اگر قبل از ساخت این فیلم طرف مشورت قرار می‌گرفتم و به من می‌گفتند که قرار است اثری درباره آسیب‌های اجتماعی با تکنیک انیمیشن ساخته شود، قطعاً مخالفت می‌کردم چراکه معتقدم با وجود انبوهی از تصاویر دلپلی ندارد سراغ انیمیشن برویم اما پس از تماشای «کاغذپاره‌ها» متوجه شدم رهاشدن از تصاویر واقعی تا چه اندازه می‌تواند ما را به عمق ببرد و در مسئله برای من غیرمنتظره بود. از نظر من این شیوه روایت انتخاب

### هنر

# وقتی مسؤلان فرهنگی خواب هستند

من این شیوه را انتخاب نکردم، این فیلم مرا انتخاب کرد و این جمله را از روی شکسته‌نفسی و فروتنی یا نبود اعتمادبه‌نفس نمی‌گویم. من به کمپ زنان کارتن‌خواب با نیت فیلم‌سازی نرفتم و اصلا در ذهنم هم نمی‌گنجید که با چند ساعت گفت‌وگو و مصاحبه می‌توان فیلم ساخت. من قبل از «کاغذپاره‌ها» هیچ تجربه‌ای در ساخت اثر این‌چنینی نداشتم و هیچ فیلمی هم نبود که از آن الهام بگیرم. حتی نمی‌دانستم چطور عروسک کاغذی می‌سازند و چطور آنها را حرکت می‌دهند اما جالب است بدانید که هیچ کدام از عروسک‌ها را دوبار نساختم و هرکدام را در کمتر از ۱۰ دقیقه ساختم؛ همچنین لباس تمام عروسک‌ها را خودم طراحی کردم و دوختم.

بسیاری از افراد برای ساخت این فیلم، بدون توقع به من لطف کردند اما بودند کسانی که وظیفه‌شان را انجام ندادند. قصد دارم بگویم تهیه‌کننده واقعی این فیلم، حمیدآقا، میوه‌فروش کوچه رودبار شرقی است. وقتی به سراغ او رفتم و گفتم چند کارتن برای ساخت فیلم نیاز دارم، به من گفت: «کارتن موز بردار. چون‌دارت‌ره». هرچه اصرار کردم پولی از من دریافت نکرد و گفت که باید از کار فرهنگی حمایت کنم. دمت گرم حمید آقا. نه مقامی داری نه مقدمی در پس نامت یدک می‌کشی، بااین‌حال دغدغه حمایت از کار فرهنگی داری.

بخش زیادی از کار فیلم را خودم انجام دادم و نگران دستمزد عوامل نبودم اما درآمدی هم نداشتم و پایان کار به مشکل مالی برخوردیم. به دلیل آنکه می‌دانستم مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و انیمیشن به فیلم‌هایی که خارج از آنجا تولید می‌شود، مقدار ناچیزی کمک می‌کند،

به آنها مراجعه و پروژه را معرفی کردم. مسئول مستند مرکز گفت که این فیلم مستند نیست و باید به بخش انیمیشن مراجعه کنم. زمانی که به بخش

انیمیشن سر زدم، گفتند که «کاغذپاره‌ها» انیمیشن محسوب نمی‌شود. بعد از پنج شش دفعه اجرای تکیه‌تاکای این‌سینمای متوجه شدم فرق من با آنها جور در نمی‌آید و از آنجا خارج شدم اما یک سؤال هنوز برای من باقی مانده. آیا برای مسئولان مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و انیمیشن و سازمان سینمایی ساخته فیلم مستند-انیمیشن آن‌قدر عادی شده است و سالانه چندین اثر سینمایی می‌شود که حضور در مهم‌ترین جشنواره‌های سینمایی، مستند و انیمیشن برای «کاغذپاره‌ها» علی‌السویه است و پنداری نه فیلمی ساخته شده و نه این فیلم درحال اکران است. سال‌ها به‌سرعت گذر خواهند کرد و از ما، تنها عملکرمان باقی خواهد ماند و مردم بهترین قاضیان تاریخ‌اند.

درنهایت باید بگویم برای فیلم‌سازی می‌باید پول موجود باشد یا فیلم‌ساز خود تمامی کارها را انجام بدهد. فارغ از اینکه پولی برای پرداخت دستمزد نداشتیم، مدلی که این فیلم ساخته شد، تا حالا اجرا نشده بود و نمی‌توانستم نیروی کاری برای آن پیدا کنم. من برای ساخت این فیلم به دوره قبل از پیدایش دوربین فیلم‌برداری و تجربه‌های اولیه ادوارد مویبریح برگشتم و آن را دوباره تکرار کردم. البته باید اعتراف کنم که کمتر کسی با وسوس‌های کاری من کنار می‌آید. برای مثال سکانس عبور از اتوبان حکیم در ابتدای فیلم را صدها بار تغییر دادم تا به این پلانی که در فیلم استفاده کردم، برسم.

**زیر آسمان فیروزه‌ای**

### اجرای سه نمایش جدید در مرکز تئاتر مولوی

**●** پس از اتمام اجرای عمومی نمایش‌های «هملت» و «نادیا»، جمعه ۱۳ اسفندماه، نمایش‌های «آلاء»، «چند تکه لغزان» و «کشیدن دایره» به عنوان نمایش‌های جدید مجموعه تئاتر مولوسی و از روز دوشنبه ۱۶ اسفند ماه در سالن‌های این مجموعه به صحنه رفتند. نمایش «آلاء» که به موضوع دفاع مقدس می‌پردازد به نویسندگی و کارگردانی محمد کاظمی‌تبار و بازی مرجان آقا‌نوری هر شب ساعت ۱۸ و به مدت زمان ۵۵ دقیقه در سالن اصلی تئاتر مولوی اجرا می‌شود. همچنین نمایش «چند تکه لغزان» نوشته علیرضا اجلی و کارگردانی پژمان دادخواه است که با بازی ابراهیم عبدی، محمدرضا آریان، سپیده اسلامی و شیدا مقصدولادو را هر شب ساعت ۱۹ در سالن کوچک مرکز تئاتر مولوی میزبان علاقه‌مندان خواهد بود. در خلاصه این نمایش ۶۰دقیقه‌ای آمده است: «چند تکه لغزان» روایت بخشی از زندگی چهار روزنامه‌نگار است که در دفتر روزنامه در انتظار هستند و در این مدت خیلی از رازها و ناگفته‌هایشان برعلا می‌شود چون انتظار کارش همین‌ه، حرف می‌آره». نمایش «کشیدن دایره» نیز دیگر نمایش تازه مرکز تئاتر مولوی است که هر شب ساعت ۲۰ در سالن اصلی روی صحنه می‌رود. این نمایش نوشته و کارگردانی پویوش فروزنده است که محمد قدس در مقام تهیه‌کننده گروه را همراهی می‌کند. در این نمایش سینما بالاگفت، نسیم ناصرارزاعی، باسط رضایی، رامین دیدنده و شجاع‌الدین گیاهی به عنوان بازیگر حضور دارند. مدت زمان نمایش «کشیدن دایره» ۶۰ دقیقه است. روزهای شنبه نمایش‌های فوق اجرا نمی‌شود.

### تاریخ پایان اجرای نمایش‌های تئاتر شهر اعلام شد

**●** تاریخ اتمام اجرای نمایش‌های به صحنه رفته در تالارهای تئاتر شهر در اسفند ۱۴۰۰ در حالی اعلام شد که یک اثر نمایشی در فروردین ماه سال ۱۴۰۱ نیز به اجرای خود در تالار سایه این مجموعه ادامه می‌دهد. بر اساس هماهنگی‌های انجام‌گرفته، نمایش‌های «خانه سیاه است» به کارگردانی محسن اردشیر در تالار اصلی، «احتمالات» به کارگردانی علی شمس در تالار چهارسو، «تُرَب» به کارگردانی مسعود شامی و میلاد خرم در تالار قشقایی و «بی‌خوابی» به کارگردانی سعید هاشمی‌پور در تالار سایه روز دوشنبه بیست‌وسوم اسفند ماه به اجراهای خود پایان می‌دهند. این در حالی است که نمایش «بی‌خوابی» در فروردین ماه سال ۱۴۰۱ نیز به اجرای خود در تالار سایه مجموعه ادامه خواهد داد. برنامه جدید تالارهای نمایشی مجموعه تئاتر شهر به همراه تاریخ آغاز به کار فعالیت‌های تئاتر در سال جدید طی روزهای آینده اعلام خواهد شد.

### «فرار کن» بهترین مستند بلند شد

**●** انجمن بین‌المللی مستند (IDA) با برگزاری مراسم سالانه اهدای جوایز خود، «فرار کن» را به عنوان بهترین مستند بلند سال انتخاب کرد. این مستند انیمیشن به کارگردانی پوهر راسموسن از سوی اسکار نیز در فهرست نهایی بهترین مستندهای امسال جای گرفته است. در همین حال «تابستان روح» نیز با جایزه بهترین کارگردانی برای احمیر کوندستلاو تامپسون از این مراسم بیرون رفت و در عین حال جایزه بهترین موسیقی و بهترین تدوین را هم از آن خود کرد. در مراسم امسال با اهدای جایزه یک عمر دستاورد از راجر راس ویلیامز تجلیل شد و رونان فارو نیز جایزه حقیقت به قدرت را برد. سیسیلیا آلداروندو جایزه بهترین مستند کوتاه هم به «یک خانه شکسته» محصول مشترک آمریکا و لبنان ساخته جیمیه گولدبلوم رسید. «اید» در سال ۱۹۸۲ تأسیس شده و مجموعه افتراعاتی برای حمایت از فیلم‌سازان آثار غیرداستانی مستقل است. مقر این انجمن در لس‌آنجلس است و بیش از دو هزار عضو از ۵۲ کشور جهان دارد.

### ادامه تحریم سینمای روسیه

**●** جشنواره بین‌المللی فیلم«کارلووی وار» نیز به جمع رویدادهایی پیوست که سینمای روسیه را به دلیل جنک اوکراین تحریم کردند. متولیان این رویداد سینمایی با انتشار یک بیانیه حمله روسیه به اوکراین را محکوم و حمایت خود را از اوکراین اعلام کردند. در متن این بیانیه چنین آمده است: «برگزارکنندگان جشنواره بین‌المللی فیلم کارلووی واری صریحا حمله روسیه به اوکراین را محکوم کرده و حمایت بی‌قید و شرط خود را از این کشور اعلام می‌دارند. جشنواره فیلم کارلووی واری همیشه از آزادی بیان هنرمندان حمایت کرده است. تجربه تاریخی کشور ما اهمیت حمایت خارجی از چهروه‌های فرهنگی و هنری را که تصویری تحریف‌نشده از وضعیت واقعی موجود در کشورمان ارائه دادند به ما آموخت. می‌خواهیم از همه هنرمندانی که آثار و مواضعشان همسو با ارزش‌ها و اصول دموکراتیک است با آغوش باز استقبال کنیم. همیشه از فیلم‌سازان مستقل روسی حمایت می‌کنیم. اما آتهایی را که به هر طریقی با دولت روسیه یا مؤسسات دولتی این کشور ارتباط داشته باشند و یا از حمله نظامی حمایت کنند، در جشنواره‌مان نخوانیم پذیرفت.